

سازماندهی و برنامه ریزی مدیریتی از نگاه نهج البلاغه

زهرة منصوری^۱

چکیده

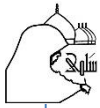
نظم و برنامه ریزی در اسلام، از اهمیت بسزایی برخوردار است. هر فرد و سازمان برای رسیدن به اهداف خویش به آن نیاز دارد. هر چیزی را در زندگی باید پرورش داد و نظم هم یکی از نیازهای افراد و جامعه است که همگان باید در رشد و پرورش آن تلاش کنند. از عوامل مهم و اساسی در موفقیت انسان، وجود نظم در انجام دادن کارهاست. سیره عملی حضرت علی -علیه السلام- در صحنه زندگی و اجتماع، بیانگر اهتمام ایشان به این امر بوده و به نظر ایشان داشتن نظم و برنامه، راه استفاده صحیح از امکانات را میسر می‌نماید. برنامه ریزی در رأس وظایف مدیر قرار دارد و شالوده مدیریت است. برای رسیدن به هدف مورد نظر، باید قبل از تلاش فیزیکی یا اقدام به انجام کار، تلاش ذهنی یا برنامه‌ریزی کافی صورت گیرد. برنامه‌ریزی‌ها یا به صورت درازمدت یا کوتاه مدت هستند واز پراکندگی و گاهی تعارض و تضاد در برنامه، جلوگیری می‌کند. حضرت علی - علیه السلام- در این خصوص، با دادن راهکارهای مناسب، افراد را به داشتن نظم و برنامه، تشویق می‌نماید و پیامدهای مطلوب آن را بیان می‌کند. امام، با نظارت بر اعمال کارگزاران، از طرق مختلف، آنها را به انجام مطلوب کارها، رهنمون می‌گردد. این تحقیق درصدد آن است که به تبیین این مقوله در نهج‌البلاغه پرداخته و عوامل و موانع آن را مورد ارزیابی قرار دهد.

کلیدواژه‌ها: نظم، برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، نهج البلاغه

مقدمه

خداوند، خالق این جهان هستی، بارها و بارها به نظم و برنامه‌ریزی در آیات قرآن اشاره کرده‌است. وقتی از آفرینش آسمان و زمین، شب و روز و یا دیگر پدیده‌ها سخن می‌گویند، نظم و اتقان آن مورد توجه قرار گرفته‌است. در اسلام به نظم و برنامه‌ریزی اهمیت فراوانی داده شده‌است. علاوه بر آیات قرآن، روایات

۱. دکتری علوم و معارف نهج البلاغه z-mansouri42@yahoo.com





معصومین - علیهم السلام- براین مسأله تأکید داشته‌اند. در نهج البلاغه نیز در ضمن خطبه‌ها و نامه‌ها و هم‌چنین در حکمت‌های علوی، مورد اهتمام واقع شده است. داشتن برنامه و نظم سبب به سامان شدن امور می‌گردد لذا ضروری است به این مقوله بیشتر پرداخته شود. برنامه‌ریزی، مانع ندامت بوده و به انسان تدبیر می‌دهد. خداوند، هر پدیده‌ای را که آفریده آن را به دقت اندازه‌گیری نموده است. انسان نیز باید با الهام‌گیری از منبع وحی، سیره عملی معصومین - علیهم السلام- آن را سرلوحه کارهای خود در زندگی و جامعه قرار دهد. وقتی فردی در جایگاه مدیر قرار می‌گیرد، باید نقش مؤثری در کارایی سازمان مربوطه و تحقق اهداف داشته باشد.

مطالعه تاریخ گذشتگان، نقش و تأثیر مدیریت را در ارتقاء و یا انحطاط ملت‌ها را روشن می‌کند. چه بسیار ملت‌هایی که از نظر امکانات مادی و زمینه‌های مساعد فکری و مایه‌های غنی فرهنگی، هیچ کمبودی نداشتند، ولی به خاطر عدم مدیریت مدبر و رهبری آگاه که بتواند با برنامه‌ریزی صحیح و سازماندهی محکم از نیروهای موجود در جهت هدف استفاده کند، در سراسیمگی سقوط و شکست قرار گرفتند.

حضرت علی - علیه السلام- در شناخت جایگاه مدیر و رهبر در هر تشکیلاتی، جایگاه و موقعیت خود را مانند قطب وسط آسیاب معرفی می‌نماید. سیره عملی حضرت علی - علیه السلام- بیانگر آن است که وجود ایشان در حکومت و تشکیلات، تنها تأثیر اجرایی نبوده، بلکه هر حرکت از حرکات ایشان، دارای آثار مطلوب و متنوعی بوده که لازم است تمامی افراد در جایگاه و موقعیت متفاوت، آن را به عنوان الگویی در تمامی مراحل لحاظ نمایند.

مفهوم شناسی مدیر، برنامه‌ریزی، سازمان دهی

۱-مدیر

مدیر، در علم صرف، اسم فاعل از ماده «دور» بوده که اداره کننده امر است. (عمید، ۱۳۶۰هـ ش، ج ۱ ص ۱۷۸۲) و مدیریت، مصدر جعلی آن است که به معنی مدیربودن و مدیری است و هنر یا دانش اداره کردن گروه یا استفاده از نیروها و پشتوانه‌ها برای رسیدن به اهداف و آرمان‌های مشخص است، به شرطی که با قوانین شرعی و اخلاقی، مغایرت نداشته باشد. مدیریت، کار مدیر است و

مدیر، کسی است که در صدداداره کردن کسی یا کاری است. (پیروز و همکاران، ۱۳۸۳ هـ.ش، ص ۱۱۱)

مفهوم مدیریت در نهج البلاغه و اندیشه و سیره امام علی - علیه السلام - جز به مفهوم امانت، هدایت، محبت و خدمت نیست. (نبوی، ۱۳۷۷ هـ.ش، ص ۱۵۴)

۲- برنامه ریزی

برنامه ریزی، عبارت است از: تفکر در کلیات و جزئیات برنامه، یا تعیین و اتخاذ شیوه‌ها و روشهایی که ما را به بهترین نتیجه مطلوب برساند. به عبارت دیگر، برنامه، هدف و خط مشی، شرح عملیات و روش اجرای آن در هر سازمان است. (پرهیزگار، ۱۳۵۷ هـ.ش، ص ۱۵)

۳- سازماندهی

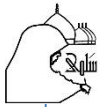
سازماندهی، تجویز چرخه روابط رسمی بین افراد یک سازمان و منابع آن به منظور دستیابی به اهداف آن است. (حاضر و عابدینی راد، ۱۳۷۵ هـ.ش، ص ۳۵)

سازماندهی، یکی از ارکان مدیریت است و مبانی مختلفی در آن هم چون هدف، وظیفه، نوع تولید، عملیات، منطقه عملیات، ارباب رجوع یا مشتری وجود دارد. (نبوی، ۱۳۷۵، ص ۷۹)

بنابراین، سازمان‌دهی، نظم و ترتیب دادن به کار و فعالیت و تقسیم آن بین افراد به منظور انجام دادن کار و تحقق هدف‌های معین است که نتیجه آن، ایجاد ساختار سازمان است. ساختار سازمان، روابطی منظم و منطقی را که لازم عملیات اعضای سازمان است، به وجود می‌آورد.

منظور از فراگرد سازماندهی، تشخیص فعالیت‌های لازم برای رسیدن به اهداف و اجرای برنامه‌ها و گروه‌بندی فعالیت‌ها با توجه به منابع انسانی و مادی موجود و تشخیص بهترین طریقه استفاده از آنها و دادن حق اختیار عمل و حق دستوردهی و تصمیم‌گیری برای انجام هر کار به مسئول گروه و بالاخره ارتباط دادن واحدها به یکدیگر به صورت عمودی و افقی از طریق روابط اختیار و شبکه ارتباطی اطلاعاتی است. (رحمانی، کاوسی، بی‌تا، ص ۳۱)

حضرت علی - علیه السلام - در عهدنامه معروف مالک اشتر، جامعه را دارای طبقات اجتماعی دانسته، هریک از آنها را براساس نوع کار و چگونگی مسئولیت‌شان، دسته‌بندی می‌کند و می‌فرماید:





«وأعلم أنّ الرعيّه لا يصلح بعضها إلاّ ببعض طبقات ولاغنى ببعضها عن بعض»؛ بدان که مردم جامعه را گروه‌های گوناگونی تشکیل می‌دهند که کارشان جز به یکدیگر سامان نیابد و برخی از برخی دیگر تو را بی‌نیاز نسازد. (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

هم‌چنین امیرالمؤمنین - علیه السلام - در زمینه تقسیم کار و مسئولیت به فرزندش امام حسن - علیه السلام - این گونه فرموده است:
«اجعل لكل انسان من خدمك عملاً تأخذه به فانه ادى الايتوالكوا في خدمتك»؛ کار هریک از خدمتکارانت را معین کن که او را در برابر آن کار مسئول بدانی تقسیم درست کار سبب می‌شود کارها را به یکدیگر وانگذارند و در خدمت سستی نکنند. (نهج البلاغه، نامه ۳۱)

نقش تربیتی و محوری مدیر

تأثیری که مدیر بر روح و روان دیگران دارد، موقعیت تربیتی او را هرچه بیشتر روشن می‌سازد. قرآن کریم، حقیقتی را بیان می‌نماید که وقتی پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - مردم را دعوت به توحید و یکتاپرستی می‌کرد، آنها صراحتاً اعلام می‌کردند که تحت تأثیر بزرگان و مدیران اجتماعی - سیاسی خود هستند. (بقره/۱۷۰)

اگر تشکیلات و سازمان‌ها را به صورت دایره‌ای ترسیم کنیم، مدیر در نقطه مرکزی دایره قرار دارد و با شعاع یکنواخت نسبت به کل دایره، ارتباطی یکسان برقرار می‌کند و در واقع، این مدیریت است که پرگار تشکیلات را برمحور وجود خویش به حرکت در می‌آورد. از این منظر، محوریت یکی از ویژگی‌هایی است که باید مدیر آن را در خود حفظ کرده و نقش خویش را با توجه به تأثیر محوریت در مدیریت به خوبی ایفا نماید. (تقوی دامغانی، ۱۳۷۴ ه. ش، ص ۶۳)

مدیریت و پذیرش مسئولیت اجتماعی، یک وظیفه است و هرکس باید در حدتوان خود مسئولیت‌پذیر باشد. حضرت علی - علیه السلام - در خطبه «شقشقیه» می‌فرماید:

«أماالذی فللق الحبه وبرأالنسمه لولا حضور الحاضر وقيام الحجّه بوجود الناصر و ما أخذالله علی العلماء أن لا یقاروا علی کظّه ظالم ولا سغب مظلوم

لألقیت حبلها علی غاربها ولسقیت آخرها بکأس أولها و لألقیتم دنیاکم هذه ازهدعندی من عفته عنز»؛

به خدایی که دانه را شکافت و جان را آفرید، اگر بیعت کنندگان نبودند و یاران، حجت بر من تمام نمی‌کردند و خدا عالمان را نفرموده بود تا ستمکار شکمپاره را برنتابند و به یاری گرسنگان ستمدیده بشتابند، رشته این کار را از دست می‌داشتم و می‌دیدید که دنیای شمارا به چیزی نمی‌شمارم و حکومت را پیشیزی ارزش نمی‌گذارم. (نهج البلاغه، خطبه ۳)

هم‌چنین درباره بی‌ارزش بودن ریاست می‌فرماید: حکومت براساس هواپرستی، آبی‌گندیده و لقمه‌ای گلوگیر است. (نهج البلاغه، خطبه ۳۳)

مدیران در تمام سازمان‌ها بدون توجه به هدف و گستردگی کار، دارای وظائف مشابه و یکسانی هستند که به دو مقوله برنامه‌ریزی و سازماندهی در ادامه پرداخته می‌شود.

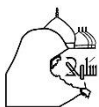
ضرورت برنامه‌ریزی

برنامه‌ریزی، پیش‌بینی عملیات با توجه به منابع (انسانی و غیرانسانی) برای رسیدن به اهداف از پیش تعیین شده است. حضرت علی - علیه السلام - در اهمیت برنامه‌ریزی قبل از انجام کار می‌فرماید:

«فأن العامل بغير علم كالسائر علی غیر طریق فلا یزیده بعده عن الطریق الواضح لأبعدامن حاجته»؛ کسی که بدون آگاهی به عمل می‌پردازد، همچون کسی است که از بی‌راهه می‌رود و چنین شخصی هرچه جلوتر می‌رود، از سرمنزل مقصود خویش بیشتر فاصله می‌گیرد. (نهج البلاغه، خطبه ۱۵۱)

برای انجام هر عملیاتی، در سازمان، لازم است قبل از عمل، برنامه‌ریزی صحیح انجام داد تا منابع سازمان ضایع نگردد و سازمان بتواند با اثربخشی و کارایی لازم به تحقق اهداف خود دست یابد.

یکی از اندیشمندان علم‌مدیریت در اهمیت نقش برنامه‌ریزی می‌گویند: هر کاری مشکل‌تر باشد، برنامه‌ریزی واجب‌تر است و هرچیزی که به فکر آید، قابل برنامه‌ریزی است؛ اگر مسئولیت یک برنامه را بیش از یک نفر بسپاریم، احتمال شکست برنامه بیشتر است. (گری، بی تا، ص ۱۵۶)





داشتن برنامه در هر کاری ضرورت دارد و لازم است هر کاری در وقت خودش انجام شود. امیرالمؤمنین -علیه السلام- در این رابطه فرموده است:

«أضاعه الفرصه غصه»؛ ضایع کردن فرصت در مسیر غیر صحیح غصه می آورد. (نهج البلاغه، حکمت ۱۱۸)

از لحظات عمر افراد در آخرت سؤال می شود، حضرت علی -علیه السلام- فرمود: عمرت، همان تعداد نفس های توست که بر آن نگهبانی است که آن را شمارش می کند (محمدی ری شهری، ۱۳۷۹ ه. ش، ص ۳۷۱)

برنامه ریزی در رأس وظائف مدیر قرار دارد و شالوده مدیریت است. برنامه ریزی، فوائد فراوانی دارد، از جمله اینکه به انسان تدبیر می دهد. حضرت علی -علیه السلام- می فرماید:

«التدبیر عقل العمل يؤمنك من الندم»؛ به آینده نگری قبل از شروع کار تو را از پشیمانی ایمن می سازد. (مجلسی، ۱۹۶۵ م، ج ۶۸، ص ۲۳۸)

برنامه ریزی حلال مشکلات است. امام علی -علیه السلام- در این خصوص می فرماید: «من قعد من حيلته اقامته الشدائد»؛ کسی که چاره اندیشی را رها کند، با شدائد درگیر خواهد شد. (محمدی ری شهری، ۱۳۷۹ ه. ش، ج ۲، ص ۵۵۱)

موانع برنامه ریزی مفید و موفق

برخی از عوامل وجود دارد که ممکن است یک برنامه ریزی را با شکست مواجه کند که در ذیل به مهم ترین آنها که مانعی جدی در مقابل برنامه موفق می باشد، اشاره می شود.

۱- به کارگیری افراد نامناسب

در انجام هر عملیاتی، افرادی باید به کار گرفته شوند که مناسب انجام کار هستند. استفاده از افراد نالایق، هر برنامه ای را با شکست مواجه می کند. امیرالمؤمنین -علیه السلام- در این باره می فرماید:

«رأى الشيخ أحبَّ إلى من جَلَدِ الغلام»؛ تدبیر پیر را از چابکی جوان دوست تر دارم. (نهج البلاغه، حکمت ۷۱)

۲- عدم آگاهی

عدم شناخت درست از منابع، امکانات، توانایی ها و تغییرات محیطی، هر برنامه ای را با شکست مواجه می سازد. حضرت علی -علیه السلام- می فرماید:



«لاغنی کالعق ولافقر کالجهل ولامیراث کالأذب ولاظہیر کالمشاوره»، هیچ ثروتی مانند خرد و هیچ نداری چون نادانی نیست. میراثی چون ادب و پشتیبانی چون مشورت کردن نیست. (نهج البلاغه، حکمت ۶۴)

۴- اسیر مشاور بودن

باتوجه به گستردگی و افزایش واحدها و تنوع در تخصص‌ها، مدیران دیگر نمی‌توانند به تنهایی از همه مسائل سازمان، اطلاع کامل داشته تا بتوانند به طور سنجیده و موثر تصمیم بگیرند. اما بسیاری از مدیران به علل گوناگون (عدم تخصص، عدم آگاهی از محیط داخلی، عدم اطلاع از توان لازم) به جای مشورت کردن و تصمیم‌گیری، آلت دست مشاوران شده، منافع جمع و سازمان را به خطر می‌اندازند.

امام علی - علیه‌السلام - به ابن عباس می‌فرماید: توحق داری نظر مشورتی خود را به من بگویی و من روی آن بیندیشم و تصمیم نهایی را بگیرم. اما اگر برخلاف نظر تو تصمیم گرفتیم باید از من اطاعت کنی. (رحمانی، کاوسی ص ۳۰) آن حضرت همواره از مشورت و دوستی با افراد نادان، بخیل، ترسو و... برحذر می‌داشت. ایشان در این باره فرموده‌است:

«قطیعه الجاهل تعدل صله العاقل»؛ بریدن از نادان، پیوستن به خردمندان است. (نهج البلاغه، نامه ۱۳)

اصول مهم در فرآیند سازمان‌دهی

در هر سازمان‌دهی، باید اصولی لحاظ گردد که با به‌کارگیری آن می‌توان فرآیند مطلوب را در این زمینه طی نمود. که به برخی از اصول مهم و متداول در امر فرآیند سازمان‌دهی در ذیل اشاره می‌گردد:

۱- تفویض اختیار

یکی از ویژگی‌های مورد توجه در سازمان‌دهی نیروها، مسئله اختیار است. پرورش منابع انسانی و کارکنان کارآمد، امروزه یکی از اهداف مدیریت است. مدیران جهت افزایش اثربخشی خود در محیط کاری و برای اینکه بتوانند به وظایف مهم و کلیدی خود برسند، باید قسمتی از اختیارات خود را به کارکنان تفویض نمایند.

امام علی - علیه‌السلام - در مورد مالک به مردم مصر می‌فرماید:

«فإن أمركن أن تنفروا فانفروا وإن أمرکم أن تقیموا فاقیموا»؛ اگر شما را فرمان حرکت داد، حرکت کنید و اگر فرمان توقف داد، بایستید. (نهج البلاغه، نامه ۳۸) که بیانگر تفویض امور به مالک یکی از کارگزاران است.

۲- رعایت سلسله مراتب

یکی از ویژگی‌های رفتاری زیرمجموعه بارؤسا رعایت سلسله مراتب است. اهمیت این موضوع با توجه به لزوم و پذیرش انضباط، مشخص بودن حیطه اختیار و عمل کارکنان است به طوری که بدون رعایت آن شیوه، امور از هم خواهد گسیخت و بسیاری از تلخ کامی‌ها از بی‌نظمی‌ها نشأت می‌گیرد. در این خصوص، حضرت علی - علیه السلام - در نامه‌ای به اشعث بن قیس عامل آذربایجان می‌فرماید:

«وإن عملک لیس لک بطعمه ولکنه فی عنقک أمانه و أنت مُسترعی لمن فوقک» ؛ کاری که برعهده توست، طعمه‌ی تونیست، بلکه امانتی برگردن توست. و از تو خواسته شده تا فرمانبردار مافوق خود باشی. (نهج البلاغه، نامه ۵)

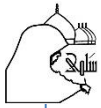
۳- ضرورت رعایت نظم

نظم، حیات اجتماعی است. در زندگی چیزی خطرناک‌تر از بی‌نظمی نیست. ریشه نظم به معنای خوب و درست انجام دادن کار است. حضرت علی - علیه السلام - همواره به این مقوله توجه داشته و آن را به کارگزاران خود گوشزد می‌نماید. در بخشی از عهدنامه خود به مالک اشتر می‌فرماید:

«أَمْضِ لِكُلِّ يَوْمٍ عَمَلَهُ فَإِنَّ لِكُلِّ يَوْمٍ مَافِيهِ»؛ کارهای هرروز را در همان روز به انجام رسان، زیرا هرروز را کاری خاص است. (نهج البلاغه، نامه ۵۳)

هم‌چنین در وصیت خود می‌فرمایند: أوصیکما و جمیع ولدی و أهلی و من بلغه کتابی بتقوی الله و نظم أمرکم؛ شما و همه فرزندان و خاندانم را و هرکه را نوشته‌ام به او می‌رسد به تقوای الهی و نظم در کارها وصیت می‌کنم. (نهج البلاغه ، نامه ۴۷)

نظم فیزیکی و نظم فکری، دومنبع اصلی مدیریت است. غلبه بر بی‌نظمی، شروع خردمندی و رعایت است. در یک کارگروهی، نظم و انضباط، کلید موفقیت است. برای اجرای وظایف در سازمان، استفاده بهینه از منابع انسانی و تجهیزات، حفظ ارزش‌های حاکم بر گروه، باید نظم برقرار گردد.





۴- به کارگیری نیروها بر اساس معیار تعهد و لیاقت

اصولاً انسان استعدادها و ظرفیت‌های بالقوه فراوانی دارد؛ اما باید اعتراف کرد که به لحاظ ساخت فیزیولوژیکی و روانی برای انسان، ضعف‌ها و محدودیت‌هایی نیز متصور است. انتخاب و انتصاب مسئولین رده‌های مختلف اداری و اجرایی یکی از مسائل مهم و ضروری در حکومت اسلامی است. چراکه مهم‌ترین عامل دوام یک نظام و حکومت، فرزاندگی و شایستگی مسئولیت و کارگزاران آن نظام می‌باشد.

اگر مدیران شایسته و تربیت‌یافته در رأس سازمان‌ها قرار گیرند، کیفیت فعالیت‌های سازمانی به طور فزاینده‌ای بهبود خواهد یافت. زیرا مدیریت شایسته، محور اصلی توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ملت‌ها به شمار می‌رود. یکی از معیارهای مهم امام علی - علیه السلام - در انتخاب کارگزاران، توجه ایشان به سابقه فردی آنان بود.

ایشان بر همین اساس، پس از تصدی خلافت به عزل و نصب وسیع والیان و فرمانروایان سراسر کشور پهناور اسلامی اقدام کردند که مهمترین آنها عزل معاویه از ولایت مصر بود. اهمیت این امر، نسبت به دیگر چالش‌های موجود در فراراه زمامداری حضرت علی - علیه السلام - بدان جهت بود که مصر به لحاظ سیاسی، نظامی فوق‌العاده مهم بود، با این حال در مسافتی بسیار دور از مرکز حکومت قرار داشت که به آسانی قابل دسترسی نبود. از این رو، مغیره بن شعبه در همان روز نخست خلافت، خدمت امام رفت و پرسید که با معاویه چه خواهی کرد؟ فرمود: اورا برکنار می‌کنم، چون اورا شایسته حکومت بر مسلمانان نمی‌دانم. (قاضی زاده، ۱۳۸۳ ه. ش، ج ۱، ص ۴۱۱)

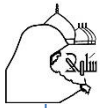
نتیجه

مدیریت و رهبری در هر نوعی که باشد از پیشوایی یک ملت تا فرماندهی لشکر، مسئول اداره و سرپرست خانواده، در کارایی سازمان مربوطه و تحقق اهداف، نقش مؤثر دارد. هیچ عملی و کار ساده‌ای را نمی‌توان در نظر گرفت که انجام صحیح آن از برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی بی‌نیاز باشد و این همان اصول مدیریت است که هر مدیر برای اداره امور حوزه مسئولیت خویش باید آنها را اعمال نماید. هر مدیر و رهبری برای برآورده ساختن نیازهای سازمانی و اهداف جامعه تحت امر خویش

نیاز به سازمان‌دهی و ایجاد ارتباطات مؤثر و منسجم دارد که این مهم زمانی میسر می‌شود که یک فرد جامع‌الاطراف به عنوان مدیر در رأس تشکیلات قرار گیرد. لذا امروزه اداره صحیح امور چه در سطح خرد که اصطلاحاً به آن مدیریت عملیاتی گفته می‌شود و چه در سطح وسیع و کلان که اصطلاحاً به آن رهبری گفته می‌شود و مهم‌ترین مسائلی هستند که وجود آنها در همه نظام‌ها و حکومت‌ها ضروری است و آن نظام ساختاری می‌تواند به صورت عملی‌تر به رفع مشکلات و رفع نیازهای موجود خویش بپردازد که سیستم مدیریتی خویش را براساس رهبری و مدیریتی صحیح‌تر و اصولی‌تر استوار نماید. نهج البلاغه راهگشای این امر بوده و مدیریتی را به ما عرضه می‌کند که زمینه رشد انسان به سوی خدا را فراهم ساخته و مطابق کتاب، سنت و روش پیامبر است. مدیریت اسلامی و مدیر براساس کلام علی - علیه السلام - که همانند یک محور و مدار و قطب عمل می‌کند انسان را در رسیدن به اهداف نظام یاری می‌کند.

منابع

- ابن ابی الحدید، هبه الله، (۱۴۰۴)، شرح نهج البلاغه، مکتبه آیت الله المرعشی النجفی، قم.
- پرهیزگار کمال، (۱۳۵۷)، تئوریهای مدیریت، اشراقی، تهران.
- پیروز علی آقا و همکاران، (۱۳۷۷)، مدیریت در اسلام، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم.
- تقوی دامغانی، سیدرضا، (۱۳۷۷)، نگرشی برمدیریت اسلامی، شرکت چاپ تبلیغات اسلامی، تهران.
- حاضر، منوچهر و امیر عابدینی راد، (۱۳۷۵)، اصول مدیریت و رفتار سازمانی، مؤلف، تهران.
- دسلر، گری، (۱۳۹۸)، مبانی مدیریت، مترجم؛ علی پارساییان، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، تهران.
- رحمانی، جعفر، کاوسی، (بی تا)، اصول مدیریت اسلامی، سیره نظری و عملی حضرت علی - علیه السلام -، تهران.
- عمید، حسن، (۱۳۶۰)، فرهنگ عمید، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- قاضی زاده، کاظم، (۱۳۸۳)، حکومت نامه علی، دفتر نشر معارف، قم.



کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۸۸)، الکافی، تحقیق، علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه.

مجلسی، محمدباقر، (۱۳۷۹)، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، بیروت.
محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۷۹)، میزان الحکمه، دفتر تبلیغات اسلامی، قم.

نبوی، محمدحسن، (۱۳۷۵)، مدیریت اسلامی، دفتر تبلیغات اسلامی، قم.

